

لی گوفو^۱

۱. از اوایل دهه ۱۹۹۰، آسیای مرکزی موضوعی دائمی در امور بین‌المللی شده است. ظهور جمهوری‌های آسیای مرکزی یکی از خصوصیات مهم دوران پس از جنگ سرد می‌باشد. این منطقه، که به شکلی استراتژیک به روسیه، ایران، ترکیه، چین و دیگر کشورها متصل است، نقشی مهم در شرایط جدید ژئوپلیتیک اختیار کرده که توجه بازیگران عمده بین‌المللی را به خود می‌خواند. جدا از اهمیت استراتژیک، منطقه آسیای مرکزی علاقه جهان خارج را به دلیل منابع عظیم نفت و گاز طبیعی که گفته می‌شود در منطقه وجود دارد به خود جلب کرده است. ایالات متحده، در استراتژی جهانی خود، این منطقه را وارد عرصه منافع استراتژیک و اقتصادپیش کرده و نفوذ خود را در آن منطقه گسترش داده که با منافع سنتی روسیه در تعارض بوده و برخوردی رودررو با ایران و نیروهای اصولگرای اسلامی داشته است. رقابت خارجی مشکلات بیشتری را برای جمهوری‌های جدید به همراه آورده است و این در حالی است که آنها قبلاً در تحکیم کشورهای تازه استقلال یافته خود به اندازه کافی مشکل داشته‌اند. چین، به دلیل برخی تغییرات قابل توجه در طول مرزهایش، با تعدادی از چالش‌ها روبرو بوده است. این چالش‌ها بعضاً با فرصت‌ها تداخل پیدا کرده‌اند.

۱. آقای لی گوفو (Li Gufou) مدیر بخش آسیای جنوبی مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین است.

با انحلال اتحاد جماهیر شوروی، استقلال ناگهانی دولت - ملت‌های جدید باعث ایجاد یک خلاء در ترکیب‌بندی استراتژیک جهان شد که سراسر جهان، و تا اندازه‌ای خود جمهوری‌ها را که آماده نبودند، دربر گرفت. در وهله نخست، تمام کشورهای آسیای مرکزی سیستم سیاسی چندحزبی دموکراتیک، سیستم اقتصاد بازار و سیاستهای خارجی مستقل، با اولویت دادن به حفظ استحکام داخلی، احیای اقتصاد و تضمین استقلال ملی را اتخاذ کرده‌اند. اما متأسفانه، جمهوری‌های تازه استقلال یافته، از ابتدا وارد اختلافات متعددی با سلف خود روسیه، در میان خودشان، و دیگر کشورهای منطقه شده‌اند که یکی از موانع اصلی در راه ساختن کشورهایشان بوده است. این اختلافات منطقه‌ای، نه تنها قدرتهای بزرگ خارجی را به دخالت فرا خوانده بلکه همچنین، حل شدن این اختلافات را پیچیده‌تر کرده است.

به رغم تمام مشکلات، من خوشحالم بگویم که کشورهای آسیای مرکزی در طول دهه گذشته، دستاوردهای عظیمی چه از بُعد داخلی و چه از بُعد خارجی داشته‌اند. در مدت زمان کوتاهی، تمام کشورهای آسیای مرکزی به اعضای جدید جامعه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. سیستم‌های سیاسی و اقتصادی که بیشتر با شرایط محلی منطبق هستند، استحکام یافته‌اند. منازعات منطقه‌ای و جنگهای بین‌الدولی به واسطه تأثیرات مشترک طرفهای درگیر تحت کنترل درآمده‌اند و رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای و بین منطقه‌ای متفاوتی ایجاد شده‌اند تا از بروز منازعات و جنگ‌ها در آینده جلوگیری کنند. با برگزاری موفق انتخابات ریاست جمهوری در قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و تمدید دوره ریاست جمهوری در ترکمنستان، انتظار می‌رود موقعیت این منطقه مستحکم‌تر شود، که پیش‌شرط توسعه اقتصادی خواهد بود.

اما هنوز کارهای بسیار در منطقه وجود دارند که باید انجام شوند. در سالهای اخیر، این منطقه به یکی از منابع عمده تروریسم بین‌المللی، بنیادگرایی افراطی اسلامی و جدایی طلبی ملی، حمل و نقل مواد مخدر بر فراز مرزها و تجارت غیرقانونی اسلحه تبدیل شده که نه تنها تهدیدی برای ثبات و صلح در منطقه؛ بلکه به‌طور کلی در جهان است.

۲. ایالات متحده، در استراتژی جهانی خود، اهمیت فزاینده‌ای را به منطقه آسیای

مرکزی اختصاص داده که دلیل آن اهمیت جغرافیای سیاسی، استراتژیک و بازار انرژی بالقوه در آینده است. وزیر امور خارجه ایالات متحده این نکته را به شکلی کاملاً آشکار در آخرین سفر خود به منطقه بیان داشته است: "سفر من به این منطقه بیشتر از یک تجربه فرهنگی سحرآمیز است، این سفر بیان‌کننده منافع مهم برای سیاست خارجی ایالات متحده است." ایالات متحده با هدف نهایی آزاد کردن منطقه از سلطه روسیه، و اگر این امر ممکن نباشد حداقل تضعیف آن، و مهار ایران و دیگر نیروهای بنیادگرای اسلامی؛ سیاستهای خود را از حمایت منفعلانه از استقلال دولتهای نوظهور به یک مشارکت فعال و به شکلی آشکار سازمان یافته در محدوده‌ای وسیع از موضوعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی در منطقه تغییر داده است. سیاستهای ایالات متحده در این منطقه را می‌توان بدین شکل خلاصه کرد: تقویت سیستمهای سیاسی و اقتصادی غربی، برطرف کردن منازعات داخلی و بین کشورهای منطقه، تقویت همکاری امنیتی با کشورهای منطقه، تلاش برای ایجاد جای پای ثابت در منطقه و حمایت از طرح‌های مربوط به استخراج و حمل و نقل انرژی. در حالی که کانون توجه استراتژیک ایالات متحده هنوز در اروپاست، توجه این کشور به منطقه آسیا-اقیانوسیه در حال افزایش مداوم است. بنابراین، منطقه آسیای مرکزی به عنوان یک تضمین‌کننده مهم در استراتژی اروپا-آسیایی ایالات متحده تصور شده است. همانگونه که ما می‌توانیم ببینیم که روسای GBI, CIA و وزیر خارجه؛ همگی راهی کشورهای آسیای مرکزی شدند.

آسیای مرکزی از لحاظ ژئواستراتژیک بی‌نهایت برای روسیه مهم است، به‌ویژه وقتی که این کشور با تهدید گسترش ناتو به سمت شرق روبرو است. تداوم استفاده از آسیای مرکزی به عنوان حصار امنیتی جنوبی برای روسیه از اهمیت بسیار برخوردار است. این منطقه همچنین همان محیط ژئوپلیتیکی است که روسیه نیاز دارد تا جایگاه خود را به عنوان یک قدرت اصلی تجدید کند. به علاوه، آسیای مرکزی همچنین یک بازار مرکزی است که روسیه برای توسعه اقتصادی واقعاً به آن نیازمند می‌باشد. بنابراین، روسیه همواره چشمانش را دزدانه بر روی هر تلاشی از بیرون برای تجاوز به حیط خلوت خود متمرکز کرده و کوشیده است تا مانعی در راه

نیروهای خارجی به‌ویژه نفوذ غرب به منطقه باشد. بعد از ملاقاتهای موفق پوتین و مقامات عالی‌رتبه آسیای مرکزی و برخی توافقنامه‌های همکاری امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی در سال گذشته، نفوذ روسیه بار دیگر راه خود را به منطقه باز یافته است. به دلیل سابقه سنتی، نفوذ روسیه در منطقه قوی باقی خواهد ماند.

۳. با ظهور جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی، چین با چالش‌ها و فرصتهایی روبرو شده است، اما بعضاً این چالش‌ها با فرصت‌ها تداخل پیدا کرده‌اند. چالش‌ها عبارتند از: الف) چین ۳۳۳۵ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی دارد. افزایش فعالیت‌های بنیادگرایی دینی افراطی، جدایی‌طلبی ملی و نیروهای تروریست بین‌المللی موقعیت را در آسیای مرکزی وخیم‌تر کرده به طوری که محیط امنیتی را در نواحی مرزی غربی چین تحت تأثیر قرار داده است.

ب) قاچاق اسلحه و نفوذ برخی نیروهای افراطی به قلمرو چین از جمله ناحیه خودمختار سین‌جیانگ^۱ اجرای استراتژی توسعه در مناطق غربی را تحت تأثیر قرار داده و توسعه اقتصادی و اجتماعی محلی را به تأخیر می‌اندازد.

ج) آسیای مرکزی بعد از فروپاشی جماهیر شوروی نقش یک منطقه میانی بین چین و دیگر قدرتها را بازی کرده است. نفوذ فعال ایالات متحده و ناتو به این منطقه و تلاش برای تحت فشار قرار دادن فضای استراتژیک روسیه، ارزش استراتژیک «منطقه میانی» را کاهش می‌دهد. به لحاظ کار جمعی با کشورهای آسیای مرکزی می‌توان چالش‌ها را به فرصت‌هایی برای همکاری تبدیل کرد:

الف) سیاست خارجی چین در همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها به شدت مورد تقدیر کشورهای آسیای مرکزی قرار گرفته است. چین موضوعات مرزی با تمام کشورهای آسیای مرکزی را حل کرده است.

1. Xinjiang

ب) یک رژیم تحت عنوان «اجلاس سران پنج کشور» از قبل وجود دارد و چین موافقتنامه اقدامات اعتمادسازی و خلع سلاح در نواحی مرزی را با روسیه و کشورهای مرتبط آسیای مرکزی امضا کرده است، که توسعه روابط دوستانه و همکاری با کشورهای منطقه را ممکن می‌سازد.

ج) در مارس امسال، وزرای دفاع پنج کشور (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) اولین نشست خود را برگزار کردند. این وزرا تصمیم به اعمال اقدامات جمعی برای غلبه بر تروریسم بین‌المللی، جدایی طلبی ملی و بنیادگرایی افراطی دینی گرفته‌اند. این اقدامات جمعی روابط کشورهای مذکور را تقویت خواهد کرد.

د) در حالی که ایالات متحده و روسیه در تلاش برای نفوذ در منطقه هستند، کشورهای آسیای مرکزی به حمایت چین در جهت خنثی کردن رقابت آنها نیاز دارند زیرا تمام جمهوری‌های جدید سیاست خارجی متوازنی در راستای حفظ استقلال خود اتخاذ کرده‌اند.

ه) چین اکنون در حال اجرای استراتژی توسعه مناطق غربی چین است که فرصتهای اقتصادی بیشتری برای کشورهای منطقه جهت تجارت با چین به وجود خواهد آورد.